

عصر دوشنبه ۲۱ دی ماه ۱۳۹۴ دکتر داریوش شایگان با موضوع « نگاه تطبیقی به دو فضای شهری : پاریس قرن نوزدهم و اصفهان عصر صفوی» در جامعه مهندسان مشاور ایران سخن گفت.

در ابتدای این جلسه که با همکاری جامعه مهندسان مشاور ایران و انجمن صنفی مهندسان مشاور معمار و شهرساز و مجله بخارا برگزار می شد، مهندس سعید سادات نیا گزارشی از انجمن صنفی مهندسان مشاور ارائه دارد و سپس علی دهباشی طی سخنانی کوتاه درباره دکتر داریوش شایگان چنین گفت:

« قریب به نیم قرن از تألیف کتاب دو جلدی ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، به قلم دکتر شایگان، می‌گذرد. با اینکه نگارش آن از دوران دانشجویی شایگان در دانشگاه تهران آغاز شد و در دوران تدریس ایشان به اتمام رسید، این کتاب همچنان تنها مأخذ معتبر فارسی در حوزه مطالعات ادیان و مکتب‌های فلسفی هند است.

دکتر شایگان پس از آن هم مقالات و کتاب‌هایی در این زمینه منتشر کرد، اما حتی کتاب بسیار ارزشمند آیین هندو و عرفان اسلامی که به زبان فرانسه نوشت و جمشید ارجمند، مترجم توانا و واقعاً ارجمند آن را به فارسی برگرداند نیز در سایه کتاب اول قرار دارد.

زمینه‌های کاری دکتر شایگان شاید در یک نگاه خلاصه به نظر برسد، اما وقتی به کتابها و مقالات ایشان نظر می‌افکنیم به گستردگی مباحث طرح شده پی می‌بریم؛ از آفاق تفکر معنوی در اسلام ایرانی تا افسون‌زدگی جدید ، از نقد آرای داراشکوه تا جستجوی فضاهاى گمشده و پرسش درباره چندگانگی فرهنگی و اینکه آیا تهران مدینه‌ای تمثیلی است؟ دکتر شایگان همواره به ابعاد گوناگون فرهنگ و چند فرهنگی اندیشیده است. و این روزها نیز شاهد انتشار جنون‌های بسیاری از ایشان بودیم که به شارل بودلر، شاعر بزرگ فرانسه، می‌پردازد.



در کنار مباحث فلسفی، آنچه دکتر شایگان در معرفی و یادبود استادان و همکاران خود نوشته بسیار خواندنی و دانستنی است؛ خاطرات ایشان از هانری کرین، سهراب سپهری، عبدالحسین زرین‌کوب، بدیع‌الزمان فروزانفر، بهرام فرموشی، آیت‌الله رفیع قزوینی، علامه طباطبایی، سید جلال‌الدین آشتیانی و

چهره مهربان و فروتنی ذاتی دکتر داریوش شایگان با حضور دلنشین و دانش گسترده‌اش خاطره «مشترک همه کسانی است که با او دیدار کرده‌اند»

سپس دکتر داریوش شایگان به مقایسه پاریس و اصفهان پرداخت

سخنرانی دکتر داریوش شایگان در جامعه مهندسان مشاور ایران

انتشار ۲۲ دی ۱۳۹۴

«قبل از هر چیز واجب می‌دانم بگویم که من نه شهرسازم، نه معمار، نه مورخ هنر، نه حتی جامعه‌شناس. من در واقع متفکری آزادم که بیشترها در هندشناسی، ادیان و فلسفه تطبیقی دستی داشتم. پس انتظار گفته محیرالعقولی از من نداشته باشید که امیدتان قطعاً به یأس مبدل خواهد شد. البته اعتراف می‌کنم که شهرهای قدیمی همیشه توجه مرا برانگیخته‌اند، منظورم مدینه‌های بزرگ تاریخی است، چه در غرب و چه در شرق. شهرهایی که کوله بار سنگین تاریخ را بر دوش می‌کشند و بناهای پر عظمت و باشکوه تاریخ بشریت را در دل خود جای داده‌اند؛ مثل دلفی در یونان، بنارس در هند، آنگور وات در کامبوج، شهر ممنوعه در پکن، کیوتو در ژاپن، لوکسور در مصر، ماچوپیچو در پرو، و اهرام عجیب فرهنگ مایاها در پالانکه، یوکاتان در مکزیک و گواتمالا. «عصر کاتدرال‌ها»، که ژرژ دوبی در کتابی با همین عنوان به طرزی درخشان توصیفش کرده، برایم بی‌نهایت جذاب است. به شهرهایی چون اصفهان، استانبول، فلورانس، رم و تولدو، که مدینه‌هایی تمثیلی‌اند، عشق می‌ورزم. حتی سعی کرده‌ام پاریس را بشناسم، این عالم صغیر را که در عصر مسیحیت قرون وسطا مهد اندیشه و تفکر مدرسی بود، و در قرن نوزدهم به قول والتر بنیامین که حقیقتاً به این شهر عشق می‌ورزید، حکم پایتخت جهان را داشت. در مقاله‌ای که عمری از آن می‌گذرد، با مقایسه پاریس و اصفهان کوشیده‌ام نشان دهم که این دو شهر تا چه اندازه قطب مخالف یکدیگرند. اگر پاریس دست‌پرورده هوسمان در دوره امپراتوری دوم فرانسه، به گفته زیبای بودلر «شهر پر از ازدحام، شهر پر از رؤیا، آنجا که اشباح در روز روشن بر عابران چنگ می‌اندازند» باشد، اصفهان مظهر مثالین عالم رؤیا و معلق در فضا است..»

دکتر شایگان از اصفهان و پاریس می‌گوید

در ادامه دکتر شایگان به پرسش‌های حاضران پاسخ گفت.

